روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان

| روزنامه جوان | شماره ۴۷۶۸ | یک‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۴ | ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۳۷| اذان ظهر: ۱۲:۱۵ |
غروب آفتاب: ۱۸:۰۴ |اذان مغرب: ۱۸:۲۲ |نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۴ |اذان صبح فردا: ۰۵:۰۳ |طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۶ |

راه سعادت

امام صادق علیه‌السلام:

إِذا أَرادَ اللّهُ بِعَبدٍ خِزیا أَجری فَضیحَتَهُ عَلی لِسانِهِ

هرگاه خداوند بخواهد بنده‌ای را رسوا کند، از طریق زبانش او را رسوا می‌کند.

(بحارالانوار (ط- بیروت) ج ۷۵، ص ۲۲۸)

نما | حسین کشتکار

دریچه | ورتا چمانی

چطور شد که فریب خوردم

یک هفته قبل بود که خبری درباره ماجرای دختر جوانی که از سوی یک کارگردان سینما مورد تعرض قرار گرفته بود و البته بعد از پیگیری قضایی توانست حکم محکومیت کارگردان را هم بگیرد، منعکس شد.

انتشار آن خبر مواجه شد با شبهه برخی مخاطبان و طرح پرسش درباره آنچه فریب دختر جوان قلمداد شده بود. سؤال این مخاطبان این بود که چطور می‌شود دختری جوان و دانشجو آن هم در روزگار ما به راحتی فریب یک کارگردان هوسباز را بخورد؟

برای یافتن پاسخی به این پرسش به سراغ دختری که به وی تعرض شده بود، رفتیم. این دختر که از اینجا به بعد وی را «ع» می‌نامیم، کوشید با اشاره به خاستگاه خانوادگی‌اش و البته چگونگی آشنایی با کارگردان موردنظر، به این پرسش پاسخ دهد.

«ع» گفت: من یک دهه هفتادی و متولد ۱۳۷۴ در یکی از شهرهای جنوبی کشور هستم. پدرم مرد معتقدی است و خانواده‌ای مذهبی دارم که همواره ما را به رعایت اصول اخلاقی تشویق کرده است. به دلیل شغل پدرم و به دلیل سکنی گزیدن در یک مجتمع ارگانی حتی در خانه پدری‌ام ماهواره هم نداشتیم. من از نوجوانی با فضای هنر و ادبیات مأنوس بودم و بعد از آنکه در سال ۹۳ در رشته حسابداری در دانشگاه آزاد شهری حوالی تهران پذیرفته شدم، در خوابگاه دانشجویی مستقر شدم و در کنار تحصیل بد ندیدم علاقه خودم را به بازیگری از طریق آکادمیک دنبال کنم.

این دختر جوان با اشاره به موافقت نکردن ابتدایی پدرش با تحصیل بازیگری‌اش بیان کرد: به هر حال نگاه خانواده من طوری بود که در ابتدا موافق حضور من در این حیطه نبودند، اما بعد از مدت ها گفت‌وگو با پدرم بالاخره ایشان را راضی کردم و ایشان هم بعد از آمدن به تهران و تحقیق در میان آموزشگاه‌های مختلف به سراغ آموزشگاه آقای بازیگر رفت و در آنجا ثبت‌نام کردیم؛ [منظور از آقای بازیگر همان بازیگر برخی از آثار تاریخی سال‌های ابتدای انقلاب و آثار مناسبتی سال‌های اخیر است.]

«ع» درباره آشنایی خود با کارگردان متجاوز اظهار داشت: در این آموزشگاه سه ترم تحصیل کردم. ترم آخر تحصیل در آموزشگاه که مقارن با ابتدای سال ۹۴ بود، مشغول اجرای تئاتری بودم که آن کارگردان سروکله‌اش در اجرا پیدا شد و بعد از تماشای اجرا گفت برای بازی در پروژه جدیدش که «قو» نام داشت، قصد دارد از من استفاده کند و این ابتدای آشنایی ما بود.

وقتی از این دختر جوان پرسیدیم که آیا درباره این کارگردان با مدیر آموزشگاهش یعنی همان آقای بازیگر مشورت نکرده، وی گفت: اتفاقاً هم با مشاور ایشان در آموزشگاه و هم با استادمان در آموزشگاه که یکی از چهره‌های بنام تئاتر است درباره این کارگردان صحبت کردم و هر دوی ایشان را تأیید و مرا تشویق کردند به همکاری وگرنه من هم که آدمی نبودم بی تحقیق درباره سوابق کارگردان پاسخ مثبت دهم... مرتب به بهانه آشنایی با کاراکتر و دورخوانی فیلمنامه دور هم جمع می‌شدیم و در این مدت ایشان مرتب مرا به عنوان بازیگر اصلی فیلم «قو» معرفی می‌کرد؛ فیلمی که طبق ادعای ایشان بنا بود با سرمایه‌گذاری یک آلمانی تولید شود! در نهایت نیز به بهانه یکی از همین جلسات کاری، آن اتفاق شوم برایم رقم خورد.

«ع» با اشاره به وضعیت روحی خرابش در روزهای بعد از آن اتفاق گفت: بعد از آن اتفاق حدوداً ۱۰ روزی طول کشید تا از ایشان شکایت کنم؛ دلیلش هم این بود که در شوک روحی بدی به سر می‌بردم.

این دختر جوان درباره چرایی اعتراضش به حکم صادره علیه کارگردان متجاوز که ۱۰۰ ضربه شلاق و دو سال محرومیت از فعالیت‌های هنری است، گفت: اعتراض کردم چون فکر می‌کردم آسیبی که ایشان به من زده به شدت بالاتر است. ایشان نه‌تنها با آبروی من بازی کرد که با آبروی پدر و خانواده‌ام هم بازی کرد. حتی در خوابگاه دانشجویی هم از آزارهای ایشان در امان نبودم. این را بگذارید کنار تهدیدات مختلفی که از جانب ایشان حین آغاز پیگیری قضایی شکل گرفت.

«ع» تأکید کرد: من به لحاظ روحی به شدت آسیب دیده‌ام و این آسیب‌دیدگی حالا حالاها با من است، پس نباید به من خرده بگیرند که چرا در پیگیری شکایتم این قدر راسخ هستم.

گزارش

بعد از ابطال مزایده صداوسیما توسط دولت
حالا این سرافراز است که می‌خواهد تلافی کند

تلویزیون به دنبال سرقفلی ویدئو کلوپ اینترنتی ارشاد

محمد صادق عابدینی

بعد از سرمایه‌گذاری دولت و همکاری وزارتخانه‌های ارشاد و ارتباطات در راه‌اندازی سامانه VOD حالا صداوسیما که سر قضیه بودجه از دست دولت ناراحت است، فرصت پیدا کرده و با پیش کشیدن قانون اساسی VOD دولتی را زیر سؤال برده است.

صداوسیمایی‌ها معتقدند VOD مصداق تلویزیون است. برنامه «هفت» که جمعه شب گذشته از تلویزیون پخش شد، فرصتی بود تا معاون حقوقی سازمان صداوسیما با ارائه ادله‌ای که از نظر سازمان قانع‌کننده بود، راه‌اندازی VOD را جزو وظایف صداوسیما اعلام کند.

صداوسیما چطور مدعی VOD شد؟

یکی از آیتم‌های برنامه «هفت» که شامگاه جمعه از شبکه سوم سیما پخش شد، پرداختن به موضوع ایجاد VOD بود. سامانه‌ای که با ترجمه فارسی سامانه نمایش درخواستی، به صورت مخفف «سند» نامیده می‌شود. «سند» چند روز پیش در مراسمی که از سوی وزارت ارشاد برگزار شد، رونمایی شده و ارشاد قول قرار گرفتن چند هزار فیلم روی خروجی آن را داده است. البته مسئولان سازمان سینمایی باز هم تمایلی به حضور در «هفت» نداشتند و جایگزینی را که برای حضور در مناظره VOD در «هفت» معرفی کردند از سوی افخمی پذیرفته نشد تا در نهایت صداوسیما یک طرفه پنبه VOD را بزند و آن را از آن خود بداند.

محمدرضا عباسیان، مدیر پیشین مؤسسه رسانه‌های تصویری و دبیر اسبق جشنواره فیلم فجر که کارمند صداوسیما نیز هست به همراه حامد معینی مدیر حقوق بین الملل و مالکیت فکری صداوسیما، مهمانان «هفت» در بررسی VOD تلاش کردند تا در میدانی یک طرفه به همه تلاش‌های دولت برای ایجاد «سند» حمله کنند و در آخر حق مالکیت این سامانه را از آن تلویزیون بدانند. دلیل این کار هم از ابتدا مشخص است. صداوسیما چند ماهی است که بر سر موضوع بودجه سال ۹۵ حسابی از دست دولت ناراحت است. این ناراحتی با اعمال نفوذ دولت در به شکست رساندن مزایده آگهی‌های صداوسیما افزوده شده است. سرافراز و سازمان متبوعش روی موفقیت مزایده آگهی‌های رادیو و تلویزیون حساب ویژه‌ای باز کرده بودند و در یک محاسبه سر انگشتی سالی هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان درآمد خالص را کنار گذاشته بودند که دولت بازی را به هم زد. حالا به نظر می‌رسد که نوبت صداوسیما است که محل درآمدی را که ارشاد به آن نظر دارد، هدف قرار دهد. وزارت ارشاد روی بازگشت مالی VOD حساب کرده است و برای صداوسیمایی‌های تشنه انتقام چه راهی نزدیک‌تر از VOD؟

عباسیان و معینی هم از نظر فنی و هم از نظر حقوقی به VOD حمله کردند.

ویدئو کلوپ اینترنتی یا شبکه تلویزیونی؟

صداوسیمایی‌ها معتقدند VOD همان IPTV است و بنابر قانون اساسی حق انحصاری پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی با تلویزیون است. این ادعا البته تناقضی نیز دارد که از طرف ارشاد ارائه شده است. ارشادی‌ها اما VOD را همان ویدئو کلوپ اینترنتی می‌دانند. ویدئو کلوپ‌ها که در دهه ۷۰ و اوایل ۸۰ وظیفه فروش و اجاره فیلم‌های ویدئویی را داشتند با مجوز وزارت ارشاد فعالیت می‌کردند و مؤسسه رسانه‌های تصویری نیز برای تأمین محتوای آنها ایجاد شد. مؤسسه بعدها با فراگیر شدن تکنولوژی لوح فشرده به شبکه نمایش خانگی ارتقا پیدا کرده است. VOD اما با حذف فیلم‌های ویدئویی و لوح‌های فشرده، فایل‌های دیتا را در فضای اینترنت در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. البته تفسیر قانون اساسی با شورای نگهبان است و این شورا تا به حال درباره ماهیت VOD و اینکه این سامانه را می‌توان تلویزیون به حساب آورد، تفسیری ارائه نکرده است.

مردم چه کار می‌کنند؟

در حالی که تلویزیون می‌خواهد بر سر منافع مالی VOD که فعلاً در حد حرف است با دولت دست به یقه شود و احتمالاً از این دعوا بتواند منفعت ببرد، مردم طبق روال گذشته با چند کلیک ساده به انواع فیلم‌های مجاز و غیرمجاز دسترسی پیدا کرده و آنچه وزارت ارشاد و صداوسیما می‌خواهند به صورت پولی به آنها بفروشند به صورت رایگان دانلود می‌کنند. مشخص نیست راه‌اندازی VOD تا به امروز چقدر هزینه داشته است و چه میزان هزینه لازم است تا سامانه آن تکمیل شود. صداوسیما که IPTV را هنوز راه نینداخته می‌خواهد VOD را نیز به دست آورد؛ موضوعی که قطعاً با مقاومت دولت همراه خواهد شد. پروژه‌های هزینه بر VOD و IPTV بدون پیشرفت محسوس نام‌شان بر سر زبان‌ها است و سایت‌های فارسی، دانلود فیلم طبقه‌بندی تقریباً کاملی را برای دوستداران سینما فراهم کرده‌اند. سایت‌هایی که نه متعلق به ارشاد هستند، نه بودجه‌ای از صداوسیما می‌گیرند و نه هیچ‌گاه خودشان را وارد بازی‌های مالی و حساب و کتاب فروش اینترنتی فیلم نکرده‌اند.

سرایت بی پولی تلویزیون به اخبار ورزشی

قطری‌ها نمی‌گذارند گل اروپایی نشان دهیم!

هادی عسگری

نخریدن حق پخش تصاویر بازی‌های لیگ‌های معتبر فوتبال اروپا باعث شده اخبار به جای پخش ویدئوی گل‌های بازی‌های فوتبال به نشان دادن عکس قناعت کند.

شاید باورش سخت باشد که پای قطری‌ها به پخش اخبار ورزشی باز شود و یک شرکت قطری نگذارد ایرانی‌ها صحنه‌های جذاب و گل‌های بازی‌های فوتبال اروپایی را ببینند! مخاطبان اخبار ورزشی چند ماهی است که به دیدن عکس بازی‌های فوتبال در اروپا عادت کرده‌اند با وجود اینکه بازی‌ها به صورت زنده از شبکه سه یا ورزش پخش شده‌اند. چرا این اتفاق می‌افتد؟ شرکت بین اسپورت یکی از زیر مجموعه‌های شبکه الجزیره قطر و وابسته به گروه رسانه‌ای BEIN است. بین اسپورت مجموعه‌ای از کانال‌های تلویزیونی را در سراسر جهان دارد و در کنار آن حق پخش انحصاری فوتبال و چند ورزش دیگر را در نقاط مختلف جهان در اختیار دارد. قطری‌ها تقریباً همه بازی‌های مهم فوتبال لیگ‌های اروپا را از لیگ برتر انگلیس، لالیگای اسپانیا، سری آ و سری ب ایتالیا، لیگ فرانسه، بوندسلیگای آلمان و لیگ باشگاه‌های اروپا، جام ملت‌های اروپا، جام باشگاه‌های آسیا و هر چه مسابقه مهم دیگر فوتبال که بتوان حق پخش آن را خرید، انحصاری در اختیار گرفته‌اند. تلویزیونی‌ها می‌گویند تا پیش از توافق هسته‌ای و شرایط پسابرجام ما دست بازتری در پخش تصاویر داشتیم، اما اکنون توقع‌ها از قانونمندی بالارفته و قطری‌ها فشار آورده‌اند تا صداوسیما به حق پخش احترام بگذارد. صداوسیما هم که بی پولی‌اش شهرت جهانی پیدا کرده مانند بسیاری از شبکه‌های دیگر تلویزیونی ترجیح داده است فقط همان پخش زنده را بخرد و برای اخبار به نشان دادن عکس اکتفا کند. داوود عابدی، خبرنگار و مجری ورزشی شبکه خبر سیما به «جوان» می‌گوید: «حق پخش مسابقات مهم ورزشی معمولاً توسط یک شرکت یا شبکه خریداری می‌شود و سایر شبکه‌ها مجبورند برای پخش مسابقات رضایت آن شبکه‌ای که انحصار را در اختیار دارد به دست آورند». عابدی می‌افزاید: «به دلیل قیمت بالای حق پخش بسیاری از شبکه‌ها مانند یورونیوز نیز از اخبار ورزشی فقط عکس مسابقات را پخش می‌کنند». گفته می‌شود شرکت قطری به صداوسیما فشار آورده است که در صورت پخش تصاویر فوتبال در بخش‌های خبری، ممکن است قراردادی که میان آنها و صداوسیما است با مشکل روبه‌رو شود. در این شرایط بهتر است دوستداران بازی فوتبال و به خصوص علاقه‌مندان به لیگ‌های اروپایی به جای اینکه منتظر پخش اخبار باشند در زمان اعلام شده بنشینند و فوتبال را به صورت زنده تماشا کنند تا صحنه‌های جذاب آن را از دست ندهند.

فجر بین‌الملل یک‌شبه جهانی شد!

محمد صادقی

با جداسازی بخش‌های ملی و بین‌الملل فیلم فجر، اردیبهشت سال آینده سی و چهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار خواهد شد.

سیدرضا میرکریمی، دبیر این دوره از جشنواره که همزمان مدیرعامل خانه سینما نیز هست، روز سه‌شنبه قرار است اولین نشست خبری‌اش را با رسانه‌ها داشته باشد. نکته جالب توجه در خصوص این دوره از جشنواره حذف عنوان «بین‌الملل» و تأکید بر واژه «جهانی» برای جشنواره فیلم فجر است. این واژه گزینی در حالی صورت گرفته است که در هیچ یک از دوره‌های گذشته جشنواره فیلم فجر و از زمانی که عنوان بین‌المللی به نام جشنواره اضافه شد، این فستیوال فیلم هیچ گاه در بخش بین‌المللی تأثیرگذاری خاصی نداشته است.

اصرار بر واژه سازی برای جشنواره فیلم فجر که جایگاه ملی آن بسیار بیشتر از بخش بین‌الملل به چشم آمده و اضافه کردن واژه «جهانی» که عنوانی بالاتر از «بین‌الملل» به شمار می‌آید آیا می‌تواند زمینه جذب کارگردانان سرشناس سینمای جهان به این جشنواره باشد؟

تجربه نشان داده اکثر فیلم‌های نامداری که در بخش بین‌المللی جشنواره حضور پیدا می‌کردند، بارها و بارها در دیگر فستیوال‌های سینمایی در دیگر کشورها روی پرده رفته‌اند. این در حالی است که در جشنواره‌های رده A سینمای جهان، یکی از موارد پذیرش فیلم‌ها این است که اکران اول فیلم باید در آن جشنواره صورت بگیرد. اما در فجر معمولاً نسخه‌های دی وی دی فیلم‌های پذیرفته شده در جشنواره در گوشه خیابان‌ها فروخته می‌شد و تنها لطف اکران آن تماشای فیلم بر پرده عریض سینما بود!

سید رضا میرکریمی در نشست روز سه‌شنبه احتمالاً از عنوان «جهانی» که به نام جشنواره اضافه شده دفاع خواهد کرد. باید دید مدیرعامل خانه سینما و دبیر این جشنواره چه توجیهی برای جهانی‌شدن یک‌شبه فجر ارائه خواهد کرد.

کتاب

تجدید چاپ ۳ کتاب از ۳ مجموعه انتشارات روایت فتح

یادگاران، مادران و آسمان تجدید چاپ شدند. یک جلد از کتاب‌های سه مجموعه یادگاران، مادران و آسمان انتشارات روایت فتح تجدید چاپ شدند.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه انتشاراتی روایت کتاب‌های «آسمان ۵: ستاری به روایت همسر شهید»، «یادگاران ۲۱، شهید رضوانخواه» و «مادران ۳: شهیدان غیاثوند به روایت مادر» تجدید چاپ شدند. گفتنی است کتاب ستاری به روایت همسر شهید برای سومین بار، در ۳هزار و ۲۰۰ نسخه و با قیمت ۵هزار تومان تجدید چاپ شد. کتاب یادگاران رضوانخواه نیز در چاپ سومش با قیمت ۵هزار تومان در ۲هزار و ۳۰۰ نسخه خواندنی شد. کتاب مادران شهیدان غیاثوند نیز که با نام «فرشتگان حواسشان جمع است» منتشر شده بود با قیمت ۸هزار تومان و در ۳هزار و ۲۰۰ نسخه به چاپ دوم رسید. لازم به ذکر است انتشارات روایت فتح تاکنون دارای ۱۲ مجموعه مختلف است که هر کدام به روایتی به بازخوانی زندگی شهدای هشت سال دفاع مقدس می‌پردازد.

دغدغه‌های محیط زیستی مقام معظم رهبری دستمایه ساخت مستند شد

«باغ‌های گمشده» تهران؛ تصویری از یک فاجعه محیط‌زیستی

محمد صادق عابدینی

پیرو اعلام نگرانی مقام معظم رهبری درباره وضعیت محیط‌زیست و از بین رفتن منابع طبیعی تهران و مشهد، شبکه مستند سیما دست به کار شد و اولین مستند بر این مبنا با عنوان «باغ‌های گمشده» تولید و رونمایی شد.

به مناسبت روز درختکاری، مراسم رونمایی از مستند «باغ‌های گمشده» محصول شبکه مستند سیما به کارگردانی هادی آفریده روز گذشته در موزه سینما برگزار شد. امیر تاجیک، مدیر شبکه مستند سیما درباره تولید مستند «باغ‌های گمشده» گفت: ایده اولیه این مستند به جلسه سال گذشته رهبر انقلاب با مسئولان نظامی، فرهنگی و محیط‌زیستی شکل گرفت. در آن جلسه دغدغه تخریب محیط زیست به صراحت بیان شد و دو شهر تهران و مشهد درباره این موضوع مورد مثال بود، بنده نیز افتخار حضور در این جلسه را داشتم. به همین جهت تصمیم گرفتیم دو مستند با موضوع اطلاع‌رسانی و هشداردهی نسبت به این دو شهر اتفاق می‌افتد، تولید کنیم. تاجیک ادامه داد: پس از گذشت یکسال اولین مستند درباره شهر تهران با نام «باغ‌های گمشده» را رونمایی می‌کنیم و دومین مستند هم در خصوص شهر مشهد است که توسط محسن رمضان‌زاده در حال تولید است.

مدیر شبکه مستند سیما با تمجید از مستند «باغ‌های گمشده» گفت: فیلم‌ها و تصاویر خوبی در این مستند استفاده شده و نمود تبلور تحقیق و پژوهش را در این اثر مشاهده می‌کنیم و از این لحاظ یک فیلم قوی است و می‌تواند به عنوان منبع و مرجع برای پژوهشگران باشد. در ادامه این نشست هادی آفریده، تهیه کننده و کارگردان «باغ‌های گمشده»، از رویکرد رسانه ملی و شبکه مستند در جذب مستندسازان حرفه‌ای تقدیر کرد و این کار را باعث آشتی مستندسازان با صداوسیما دانست. این مستندساز تأکید کرد: برخورد مناسب با هنرمندان، مردم را نیز به سمت تلویزیون می‌کشاند. آفریده گفت: «باغ‌های گمشده» اولین فیلم من در سال‌های اخیر است که در آن دغدغه پرداخت مالی نداشتیم و به قول معروف دستمان در پوست گردو گذاشته نشد و شاهد برخورد حرفه‌ای بودیم. لازم به ذکر است باغ فردوس که موزه سینما نیز در آن واقع شده، یکی از قدیمی‌ترین باغ‌های تهران است که اکنون تنها بخشی از آن به یادگار باقی مانده است. در مستند «باغ‌های گمشده» به سرگذشت این باغ زیبا نیز اشاره شده است. علاقه‌مندان به تماشای مستند «باغ‌های گمشده» می‌توانند روز ششم فروردین سال ۹۵ تماشاگر این مستند از شبکه مستند سیما باشند.

خبر

آخرین خبرها از تولید سریال «شهید بروجردی» شورجه

جمال شورجه از نگارش فیلمنامه سریال شهید بروجردی خبر داد.

شورجه درباره آخرین وضعیت سریال «شهید بروجردی» گفت: هنوز فیلمنامه این سریال آماده نیست و نمی‌دانم مسئولان صدا و سیما قرارداد نگارش فیلمنامه را قبول کرده‌اند یا خیر؛ از این رو در خبرها عنوان نکردم که این سریال به پیش‌تولید نزدیک شده است.

وی ادامه داد: نگارش ۱۶ قسمت از فیلمنامه این سریال به پایان رسیده و گروه نویسندگان به سرگروهی محمود غلامی در حال نگارش مابقی قسمت‌های این سریال ۲۸ قسمتی هستند و قطعاً بعد از نگارش فیلمنامه، این اثر به شوراهای مرتبط در رسانه ملی ارسال خواهد شد و بعد از آن نیز مشخص نیست که قرار است چه اتفاقی برای سریال رخ دهد. کارگردان «سی و سه روز» با بیان اینکه محمود غلامی تهیه‌کنندگی کار را نیز بر عهده دارد، اظهار داشت: هنوز نگارش فیلمنامه سریال شهید بروجردی به طور کامل به پایان نرسیده است که بخواهیم درباره کارهای مربوط به بازنگری و طبیعتاً تولید سریال به طور قطع صحبت کنیم.

شورجه تصریح کرد: سریال شهید بروجردی جزو پروژه الف ویژه به شمار می‌رود؛ با این حال باید منتظر ماند تا ببینیم با وضعیت بودجه رسانه ملی اصلاً این سریال جزو پروژه‌های الف ویژه قرار خواهد گرفت یا خیر و نمی‌دانم این پروژه جزو اولویت‌های رسانه ملی برای ساخت در سال آینده خواهد بود یا نه. وی افزود: در دوران مدیریت عزت‌الله ضرغامی بر صدا وسیما، قرارداد اولیه سریال ۲۸ قسمت بوده است که احتمال دارد تعداد قسمت‌های سریال افزایش یابد؛ سریال شهید بروجردی از پنج سالگی تا زمان شهادت وی را در بر می‌گیرد. کارگردان «سی و سه روز» خاطر نشان کرد: حتی اگر سریال شهید بروجردی ساخته نشود نیز بعید می‌دانم که فیلم سینمایی این شهید با همین فیلمنامه تولید شود.

فیلمنامه «کوروش کبیر» به نویسندگی مسعود جعفری جوزانی رونمایی شد

کارگردان «شیر سنگی» به دنبال ساخت «کوروش کبیر»

آرمان محمدی

رونمایی از فیلمنامه «کوروش کبیر» به نویسندگی مسعود جعفری جوزانی، بار دیگر صحبت‌هایی را درباره چرایی و علت ساخت یک فیلم سینمایی با محوریت این شخصیت بر سر زبان‌ها انداخت.

سال‌های زیادی است که هالیوود با رویکرد و خوانشی که تأمین‌کننده انتفاع تفکر و متجانس با سیاست‌های اربابان حاکم بر آن باشد به بازتعریف و بازنمایی تمدن و چهره ملل مختلف جهان دست می‌زند. از سوی دیگر اگر ملت و کشوری در مقابل دستورات و اشارات چشم و ابروی تنها موجودات فهیم، عاقل، منطقی، قوی و رویین تن دنیا که همان امریکایی‌های مو بور چشم آبی هستند، کُرنش نکنند و بخواهند قد راست کنند؛ آن وقت همین کارخانه مولد ابرقهرمان و شکست‌ناپذیر از آنها و تمدن‌شان چهره‌ای در قواره کاراکترهای فیلم سخیف و بلاهت‌آمیز «۳۰۰» و یا قدری متمدنانه‌تر، از آنها انقلابیونی سرشار از عصبیت و بربریت همانند کاراکترهای فیلم متوهمانه «آرگو» به جهانیان معرفی می‌کنند. آنقدر به سانسور اخبار و واقعیات جاری در بطن آن جامعه با چاشنی تصویرسازی اغراق آمیز و مجعول می‌پردازند که برخی گمان کنند در کشور ما هنوز مردم سوار بر شتر و الاغ هستند و به دلیل مسلمان بودنشان ظاهری همچون اعراب بادیه‌نشین دارند! شاید ساخت و تولید فیلم سریال‌هایی همانند همین فیلم «کوروش کبیر» که جعفری جوزانی فیلمنامه آن را نوشته و از آن رونمایی کرده بتواند تا حدودی چهره واقعی امروز و حقیقت تمدن دیروز ایران و ایرانی را به غربی‌های خودپسند و متکبر معرفی کند و نمایش دهد. شاید اظهارات مسعود جعفری جوزانی که پیشتر با ساخت آثاری همچون فیلم سینمایی «شیر سنگی» و یا سریال پر مخاطب و جذاب «در چشم باد» پس داده بهتر و گویاتر باشد برای لزوم و چرایی ساخت این فیلم که می‌گوید: «ملت بزرگ ایران نشان داده است که هیچ گاه ناامید نمی‌شود، زمانی که درباره کوروش حرف می‌زنیم هرچند مستندات ناقصی درباره او در تاریخ وجود دارد، اما می‌توانیم با تمام وجود این شخصیت را حس کنیم.

زمانی که ساخت این پروژه آغاز شود، دو کتاب بعدی این مجموعه نیز منتشر می‌شود. کوروش به فرهنگ و زبان مردم احترام می‌گذاشت. او هرگز شمشیرزن خوبی نبود و این کاملاً برعکس شخصیتی مانند اسکندر است. کوروش هیچ‌گاه به فکر جهان‌گشایی نبود و این مردم بابل بودند که دروازه‌های این شهر را روی او باز کردند، او به پیروان تمام ادیان آزادی داد.»